الف) منافات تعبیر «اللهم عاد من عاداه» با فرهنگ فکری اهل سنت

چون مناسبت عید غدیر هم هست، می‌خواهم دو نکته راجع به عید غدیر عرض کنم. دو نکته‌ای هم که مختصر و کوتاه است. من همیشه می‌گویم، طلبگی می‌گویم که هر سال باید تکرار شود. یک نکته حساسیت سنی ها روی یک مطلب است. یکی دیگر عدم حساسیت شیعه روی یک مطلب است. این را یادتان باشد. دو نکته راجع به غدیر؛ اول حساسیت سنی ها روی یک نکته‌ای در غدیر است. دوم عدم حساسیت شیعه ها روی یک نکته مهمی در غدیر است.

نکته اول حساسیت سنی ها است. ببینید در مسأله غدیر سال‌ها کار شده است. خب شاکله اعتقادات اهل‌سنت هم برای خودشان یک چیزی است. کسی هم که با آن‌ها منازره کرده و بحث کرده در دستش هست که آن‌ها چطور فکر می‌کنند. آن‌ها الآن با مسأله غدیر مشکلی ندارند. می‌گویند خب از قدیم اختلاف هست؛ ما می‌گوییم مولی یعنی ناصر و یاور و دوست. اما شما می‌گویید به‌معنای امام است. یعنی خلیفه. خیلی خب، خلاصه حضرت فرمودند «من کنت مولاه فعلی مولاه». حضرت این را فرمودند، خب ما می‌گوییم مولی یعنی این و شما می‌گویید یعنی آن. قبلاً هم عرض کردم این بحث در قدیم خیلی بوده و الآن هم مستقر شده. چاره‌ای در این جهت نیست.

ولی یک چیزش هست که از نظر فضای علمی و حدیثی بین آن‌ها اختلاف است، اما از نظر شاکله فکری آن‌ها را قلقلک می‌دهد. یعنی حساسیتی است. لذا کسانی که در این شاکله فکری متعصب هستند به میدانش می‌روند. آن کجا است؟ ابن تیمیه که محکم به مقابلش می‌رود. همین است که همه شنیده‌اید. حضرت فرمودند «من کنت مولاه فعلی مولاه»، بعد چه فرمودند؟ «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است: شما ذهن یک سنی را بازیابی و ترسیم کنید. سنی شک ندارد که کسانی با امیرالمؤمنین معادات کردند. اما می‌گویند اخطأ، اجتهد، همه این‌ها خوب هستند! در فرهنگ آن‌ها همه این‌ها را با هم جمع می‌کنند. اما در اینجا حضرت فرمودند «عاد من عاداه». لذا کسانی که سنی هستند در «من کنت» مشکلی ندارند، اما در دعای بعد از آن می بینند می‌خواهد ذهن آن‌ها را به هم بریزد. خب لازمه آن چه شده؟ ابن تیمیه که به اینجا که می‌رسد می‌گوید اصل حدیث «من کنت مولاه» که حدیث واحد است؛ فلانی نیاورده و... . بعد می‌گوید «و اما اللهم وال من والاه فمقطوع الکذب»! قطعا دروغ است! این ابن تیمیه است. دو تا شاگرد دارد، ذهبی و ابن کثیر. این‌ها همه هستند. این‌ها ندیدند که نمی‌شود به این صورت گفت. لذا ذهبی می‌گوید، و ابن کثیر هم می‌گوید عن شیخنا الذهبی؛ در البدایه نقل می‌کند. می‌گوید شیخنا الذهبی گفته «اما من کنت مولاه متواتر اتیقن ان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله قاله»؛ آنکه متواتر است. ابن تیمیه می‌گوید واحد است. اما او می‌گوید متواتر است و یقین حضرت آن را فرموده است. بعد می‌گوید «اما قوله اللهم وال من والاه، فقویة الاسناد»[۱] نمی‌توانند آن را کاری کنند. صحیح السند است؛ مرحوم آقای

امینی حسابی اینها را بحث کرده‌اند. ولی او می‌گوید مقطوع الکذب است. بعد هم استدلال می‌کند. خب اگر در جنگ جمل پیروز می‌شدند حضرت را رها می‌کردند؟! شعر آن را قبلش خوانده بود. بلاذری می‌آورد. در مدینه جمع شده بودند. شعرش را هم خواندند. جشنش را هم گرفتند. وقتی حضرت به‌سوی بصره رفته بودند و درگیری نزدیک بود آن جا جشن گرفته بودند و شعرش را هم خواندند برای تمسخر. یعنی اگر پیروز می‌شدند چه کار می‌کردند؟ دیگر معاتی بالاتر از این می‌خواهی؟!

این نکته اول؛ اینکه اهلسنت حساس هستند. حساسی که از نظر سند صاف است. ألبانی را ببینید؛ در سلسة الاحادیث الصحیحة؛ همین‌جا به ابن تیمیه می توپد. خیلی مهم است. می‌گوید او چه می‌گوید؟! می‌گوید ما تواتری بالاتر از حدیث غدیر نداریم. بعد همین «اللهم وال من والاه» را هم تأیید می‌کند.[۲] اینها خیلی مهم است.

شاگرد: ابن کثیر چه گفت؟

استاد: ابن کثیر گفت شیخنا الذهبی می‌گوید «اما من کنت مولاه، اتیقن ان رسول الله قاله و اما قوله اللهم وال من والاه فاضافة قویة الاسناد».

شاگرد: پس خودش چیزی نمی‌گوید و تنها از ذهبی نقل می‌کند.

استاد: بله.

این نکته اول بود. جالبی کار و آن چه که تأکید من بود مطالب علمی آن نبود. بلکه اناسازگاری شاکله ذهنی اهلسنت با این دعا است؛ اللهم عاد من عاداه. خال المومنین چه می‌شود؟! اصلاً با امیرالمؤمنین معاتات نکرده! نه دعوا کرده و نه چیزی.

شاگرد: خلفاء را هم باید جزء من عاداه بدانیم؟

استاد: آنها در این جهت هنوز مشکلی ندارند، فعلاً در این طرفش مشکل دارند. تا به آن جا برسد. همین‌جا برای آنها مهم است. چون مخالف شاکله ذهنی‌شان است. این یک نکته؛ پس شما متوجه باشید که باید به‌دنبال حدیث توجه کنید. چیزی است که اگر بدون تحریک ذهن یک سنی از نظر علمی این را سر برسانید که نزد علماء شما از نظر فنی «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» درست است و حدیثی است که محکم است، دراین‌صورت شما شاکله و فرهنگ آنها را تضعیف می‌کنید. یعنی حساسیت روی آنها را پایین می‌آورید. به‌گونه‌ای‌که اگر از جوانی اینها را بشنود دیگر حرف ابن تیمیه و... اثر گذار نیست. این نکته اول در حساسیت اهلسنت در اللهم وال من والاه است.

---

[۱] **البداية والنهاية ط إحياء التراث (5/ 232) : فأما الحديث الذي رواه ضمرة عن ابن شوذب، عن مطر الوراق، عن شهر بن حوشب عن أبي هريرة.**

قال لما أخذ رسول الله صلى الله عليه وسلم بيد علي قال: " من كنت مولاه فعلي مولاه فأنزل الله عز وجل * (اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي) *. قال أبو هريرة وهو يوم غدير خم من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهرا. فإنه حديث منكر جدا بل كذب لمخالفته لما ثبت في الصحيحين عن أمير المؤمنين عمر بن الخطاب أن هذه الآية نزلت في يوم الجمعة يوم عرفة. ورسول الله صلى الله عليه وسلم واقف بها كما قدمنا وكذا قوله أن صيام يوم الثامن عشر من ذي الحجة وهو يوم غدير خم يعدل صيام ستين شهرا لا يصح لأنه قد ثبت ما معناه في الصحيح أن صيام شهر رمضان بعشرة أشهر فكيف يكون صيام يوم واحد يعدل ستين

شهرا هذا باطل.

وقد قال شيخنا الحافظ أبو عبد الله الذهبي: بعد إيراده هذا الحديث هذا حديث منكر جدا.

ورواه حبشون الخلال، وأحمد بن عبد الله بن أحمد النيري وهمام صدوقان عن علي بن سعيد الرملي عن ضمرة.

قال ويروى هذا الحديث من حديث عمر بن الخطاب، ومالك بن الحويرث، وأنس بن مالك وأبي سعيد وغيرهم بأسانيد واهية.

قال: وصدر الحديث متواتر أتيقن أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله وأما اللهم وال من والاه فزيادة قوية الإسناد وأما هذا

الصوم فليس بصحيح ولا والله ما نزلت هذه الآية إلا يوم عرفة قبل غدير خم بأيام والله تعالى أعلم.

[٢] سلسلة الاحاديث الصحيحة، ج٤، ص ٣٣٠، حديث ١٧٥٠

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 12:33:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 11:42:30 توسط ... .